گواهی سلامت روان الزام صدور گواهینامه نیست

رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرد براساس ضوابط فعلی، ارائه گواهی سلامت روان برای دریافت یا تمدید گواهینامه رانندگی الزامی نیست و تنها در موارد خاص، متقاضی به روانپزشک یا روانشناس ارجاع داده می‌شود.

سردار تیمور حسینی با رد برخی شایعات درباره لزوم ارائه گواهی سلامت روان برای متقاضیان گواهینامه رانندگی تأکید کرد: طبق آیین‌نامه‌ها و مقررات جاری، این موضوع ضرورتی ندارد و بررسی وضعیت روانی افراد تنها در موارد مشکوک و با تشخیص تخصصی انجام می‌شود.

وی گفت: تمام معاینات پزشکی مورد نیاز برای صدور یا تمدید گواهینامه، توسط پزشکان معتمد بهداد فراجا صورت می‌گیرد. این پزشکان دوره‌های لازم را برای ارزیابی سلامت جسمی و روانی گذرانده‌اند و از صلاحیت قانونی لازم برخوردارند.

به گفته سردار حسینی، اگر در بررسی‌های اولیه نشانه‌ای از مشکل روانی در متقاضی مشاهده شود، تنها در آن صورت پرونده به کمیسیون‌های پزشکی تخصصی فراجا ارجاع داده می‌شود.

او با اشاره به دغدغه برخی متقاضیان تصریح کرد: هیچ نیازی به تهیه گواهی سلامت روان پیش از مراجعه به مراکز معاینه پزشکی وجود ندارد و همه مراحل از مسیر قانونی و مشخص پیگیری می‌شود.

رئیس پلیس راهور در پایان خاطرنشان کرد: در صورت مشاهده رفتارهای پرخطر یا نگران‌کننده، افسران راهور نیز این اختیار را دارند که فرد را برای ارزیابی‌های تکمیلی به کمیسیون‌های پزشکی معرفی کنند. تمامی مراحل بررسی سلامت بر پایه اصول علمی و با رعایت حقوق شهروندی انجام می‌شود و مردم نباید نگران مراجعه‌های خارج از روال رسمی باشند.

مرگ تلخ کودک ۵ ساله به دست پدر

■ آرمین بینا

مرد افغان در حادثه‌ای هولناک پسر بچه پنج ساله‌اش را با میله آهنی کتک زد و به قتل رساند.

روز جمعه دهم مردادماه، مأموران کلانتری ۱۰۵ سنایی در تماس با قاضی سالار صنعتگر بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، از فوت مشکوک یک کودک پنج ساله خبر دادند. با اعلام این خبر بازپرس و تیم جنایی راهی بیمارستان شدند و بررسی‌ها نشان داد که آثار کبودی متعددی روی بدن کودک وجود دارد و علت مرگ، ضربه سنگین به ناحیه سر بوده‌است.

در همان ابتدا مشخص شد کودک خردسال را ساعتی قبل پدرش که افغان است برای درمان به بیمارستان منتقل کرده اما تلاش‌های تیم پزشکی نتوانسته او را از مرگ نجات دهد.

پدر کودک فوت‌شده در ابتدا ادعا کرد که فرزندانش در حال بازی بودند که میان دو پسر ۶ و ۹ ساله‌اش درگیری رخ داد و پسر بزرگ‌تر برادر کوچکش را کتک زده و باعث بدحالی او شده‌است. وی ادعا کرد شاهد دعوای دو برادر بوده اما تصور نمی‌کرده ضرباتی که به سر کودک خردسالش خورده جدی باشد. در جریان تحقیقات، تیم جنایی به بررسی جسمی پسر ۹ ساله پرداخت و آثار متعددی از کبودی و جراحت‌های قدیمی و جدید روی بدن او مشاهده شد؛ آثاری که به گفته کارشناسان، نمی‌توانست صرفاً ناشی از درگیری میان دو کودک باشد. در ادامه برادر پسر فوت شده گفت که پدرشان بارها او و برادر کوچکش را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و عامل اصلی تمام آسیب‌ها، پدر خانواده است.

بدین ترتیب مأموران متوجه تناقض‌گویی‌های مرد افغان شدند و این فرضیه برای آنها قوت گرفت که پسر خردسال بر اثر کودک آزاری به قتل رسیده‌است. بنابراین پدر خانواده که سرایدار ساختمان محل حادثه است، بازداشت شد. او در بازجویی‌ها سرانجام لب به اعتراف گشود و گفت: «سرایدارم اما همسرم یک سال قبل به افغانستان رفت و من و فرزندانم در تهران ماندیم. بچه‌ها همیشه شلوغ می‌کردند و من هم حوصله کارهای آنها را نداشتم به همین دلیل گاهی به آنها قرص ترامادول می‌دادم تا بخوابند و من راحت باشم. روز حادثه بچه‌ها سر و صدا می‌کردند و عصبانی‌ام کردند. با میله‌ای آنها را زدم تا ساکت شوند که حال پسر پنج ساله‌ام بد شد.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم به دستور بازپرس جنایی برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و بررسی‌ها درباره ابعاد این جنایت تلخ ادامه دارد.

کشف محموله شیشه از خانه زوج قاچاقچی

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران از دستگیری زوج قاچاقچی و کشف ۲ کیلو شیشه از آنها خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین باباپور گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر در جریان تحقیقات خود از فعالیت یک زوج قاچاقچی باخبر شدند و در این باره تحقیق کردند. وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد متهمان با حضور در استان‌های شرقی، محموله شیشه تهیه و در شهر توزیع می‌کنند. سرهنگ باباپور عنوان کرد: با کامل شدن تحقیقات، مأموران مخفیگاه متهمان را در جنوب تهران شناسایی و روز گذشته همزمان با بازداشت متهمان در بازرسی از محل ۲ کیلو مخدر شیشه کشف شد.

قاتل الهه در ملأ عام قصاص می‌شود

با صدور حکم قصاص در ملأ عام برای قاتل الهه حسین‌نژاد از سوی دادگاه کیفری استان تهران، یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های جنایی ماه‌های اخیر به ایستگاه پایانی نزدیک می‌شود. براساس رأی صادره، متهم پرونده در میدان قائم اسلامشهر و در صورت تأیید نهایی حکم در انظار عمومی مجازات خواهد شد.

وکیل پرونده قتل الهه حسین‌نژاد گفت: شعبه اول دادگاه کیفری یک استان تهران پس از رسیدگی کامل، متهم را به حکم قصاص در ملأ عام محکوم کرد که براساس آن متهم در میدان قائم شهرستان اسلامشهر مجازات خواهد شد. امیرحافظ سلیمانی ادامه داد: براساس قانون آیین دادرسی کیفری، متهم حق دارد ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی، درخواست فرجام‌خواهی خود را به دیوان عالی کشور تقدیم کند و در صورت تأیید حکم از سوی دیوان عالی کشور و پس از استیذان از ریاست قوه قضائیه، حکم قطعی و لازم‌الاجرا و در زمان تعیین شده توسط واحد اجرای احکام کیفری به اجرا گذاشته می‌شود.

دختری ۲۴ ساله بود که چهارم خردادماه امسال از محل کارش که آرایشگاهی در سعادت‌آباد بود، خارج شد تا به خانه برود، اما وقتی در میدان آزادی سوار یک سمند نقره‌ای مسافرکش شد به قتل رسید. با این حال پس از حدود ۱۰ روز، پلیس جسد او را در اطراف بیابان‌های تهران کشف کرد. متهم به قتل الهه حسین‌نژاد، بهمن فرزانه نام دارد. او در بازجویی‌ها به قتل الهه اعتراف کرد و گفت دختر جوان به عنوان مسافر سوار ماشینش شده، اما حرف‌هایی زده که او را عصبانی کرده و به همین دلیل با چاقو جان الهه را گرفته است. با کامل شدن تحقیقات، بازپرس متهم را به جرم قتل مجرم شناخت و دوشنبه هفتم مردادماه پرونده بعد از صدور کیفرخواست در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد. هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل وی به درخواست اولیای دم، متهم را به قصاص در ملأ عام محکوم کردند.

بازسازی صحنه سرقت، پایان کابوس دختر جوان

■ **غلامرضا مسکنی**

صبح شنبه، صحنه سرقت خشن از دختر جوان در سعادت‌آباد بازسازی شد. متهمی که با همدستی دو سارق دیگر با ضرب و جرح تلفن همراه دختر جوان را ربوده بودند در حضور پلیس و خبرنگاران جزئیات جرم را بازسازی کردند. قربانی می‌گوید: حالا که آنها را با دست و پای بسته دیدم، آرام شدم.

ساعت هشت صبح روز شنبه ۱۱ مردادماه است. بلوار فرهنگ در منطقه سعادت‌آباد تهران خلوت است، اما قرار است تا نیم ساعت دیگر حال و هوای دیگری داشته باشد. مقابل بیمارستان پارسیان درست کنار پارک محل وقوع سرقتی خشن است که حدود یک ماه پیش در آن دختر جوانی قربانی زورگیری سه سارق شده بود و حالا که سارقان به دام افتاده‌اند در راهند تا براساس برنامه اعلامی پلیس، ساعت ۸:۳۰ صحنه سرقت را مقابل خبرنگاران و عکاسان بازسازی کنند. اما این‌بار نه در وحشتی که برای دختر ۲۱ ساله به وجود آوردند، بلکه در روشنایی روز و در حضور قانون و شاکی.

■ **گرمای اول صبح**

همان ابتدای صبح چله تابستان گرمای خورشید خبرنگاران و عکاسان منتظر را کلافه کرده و هر کدام به گوشه‌ای و زیر سایه درختی پناه می‌برند.

حضور خبرنگاران و پلیس کنار خیابان که حکایت از خبری دارد، خیلی جلب توجه اهالی و رهگذران این منطقه را در پی ندارد و این کاملاً برعکس مناطق جنوب شهر است که معمولاً در چنین صحنه‌هایی تماشاگران برای دیدن صحنه از سر و گردن هم بالا می‌روند. دقایقی مانده به زمان مقرر، خودروی حامل سارقان وارد بلوار می‌شود و در چند متری صحنه بازسازی توقف می‌کند.

یکی از مأموران بدرقه در عقب خودرو را باز می‌کند و سارقان از داخل قفس فلزی خودرو قدم به بیرون می‌گذارند و صدای تق‌تق دوربین عکاسان هم فضا را پر می‌کند. سارقان دستبند به دست و پابند به پا و سر به پایین در میان دو مأمور به سمت پیاده رو حرکت می‌کنند و کنار پارک، همانجایی که دختر جوان را هنگام قاپیدن موبایلش نقش بر زمین کردند می‌ایستند. صورتشان را با دست پوشانده‌اند و علائم فیزیکی بدن و چهره‌هایشان نشان از پشیمانی دارد. با صدایی آرام و گاهی هم بلند در همهمه خبرنگاران و عکاسان به سؤالات پاسخ می‌دهند و صحنه را در حضور سرهنگ وحید ذاکری، رئیس پایگاه دوم آگاهی تهران بزرگ بازسازی می‌کنند.

دختر جوان و مادرش برای مواجهه با سارقان در محل حضور دارند، اما پس از گذشت یک ماه از حادثه هنوز هم وحشت در چهره شاکی نمایان است. شاید لحظه سخت و خشن سرقت تلفن همراهش که در جریان آن بینی‌اش شکست و دست و پایش کبود شد را به یاد می‌آورد، اما وقتی نگاهش به دست و پای بسته سارقان می‌افتد، لبخندی از سر رضایت بر لبانش نقش می‌بندد و خاطرش جمع می‌شود که از امشب آن کابوس را فراموش خواهد کرد.

■ **ترس و لرز**

دختر جوانی که هدف سرقت خشونت‌آمیز در مقابل بیمارستان پارسیان قرار گرفته بود با مرور لحظات حادثه می‌گوید: «صحنه‌ای که آن روز تجربه کردم هنوز هم کابوس شب‌های من است. هر بار که به آن فکر می‌کنم، تمام وجودم را ترس و لرز فرا می‌گیرد. ششم تیرماه، همراه یکی از دوستانم برای ملاقات یکی از دوستان مشترکمان به بیمارستان پارسیان رفته بودیم. حوالی ساعت پنج عصر، زمانی که بیمارستان را ترک کردم، هنوز چند قدم بیشتر از پله‌ها فاصله نگرفته بودم که تلفن همراهم زنگ خورد. مادرم پشت خط بود و در حالی که سرگرم صحبت با او بودم، ناگهان دستی گوشی را از من قاپید و همزمان مشتی محکم به صورتم زد که باعث شد نقش بر زمین شوم. در آن لحظه متوجه نشدم بینی‌ام شکسته، فقط بلند شدم و با شوک و عصبانیت به دنبال سارق دویدم. تمام زحمت چند ماه کارم در یک لحظه به یغما رفت. سارق اما چنان با سرعت فرار کرد که انگار در مسابقه دو بود. راننده یک خودرو که صحنه را دیده بود، تلاش کرد او را تعقیب کند، اما حتی او هم از پسش برنیامد. بعد از آن همراه دوستم به کلانتری رفتیم و شکایت کردیم.»

■ **از وحشت شبانه تا آرامش پس از دستگیری**

او که دانشجوست، از تبعات روحی حادثه نیز می‌گوید: «بعد از آن روز، دچار اضطراب شدید و بی‌خوابی شدم، حتی جرئت نمی‌کردم تنهایی از خانه بیرون بروم. بارها در خواب آن صحنه تکرار شد و با وحشت از خواب می‌پریدم. وقتی خبر دستگیری سارقان را شنیدم، کمی آرام شدم و حالا که آنها را با دست و پای بسته و سر به زیر در محل سرقت می‌بینم، احساس امنیت و رضایت بیشتری دارم. از پلیس آگاهی و کارآگاهان پرونده واقعاً سپاسگزارم. امیدوارم مجازات قانونی سختی برایشان در نظر گرفته شود تا برای دیگر مجرمان هم درس عبرت شود.»

در پایان بازسازی صحنه که با حضور پلیس، خبرنگاران و شاکی پرونده انجام شد، متهمان تحت تدابیر امنیتی به بازداشتگاه منتقل شدند تا فرایند قضایی ادامه یابد.

■ **توجه مسئولان**

بازسازی صحنه جرم، معمولاً با دو هدف صورت می‌گیرد؛ نخست، تکمیل مستندات پرونده و روشن شدن تمام جزئیات حادثه برای مقام قضایی. دوم، جنبه بازدارندگی رسانه‌ای آن در فضای عمومی و مجازی، تا نشان دهد که مجرمان نه‌تنها به سرعت شناسایی و بازداشت می‌شوند، بلکه به محل جرم بازگردانده می‌شوند تا پاسخگوی اعمالشان باشند. با این حال، تکرار مکرر چنین صحنه‌هایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که مشکل تنها در شناسایی و مجازات نیست. لازم است مسئولان به ابعاد دیگر ماجرا نیز توجه کنند و نگاهی دقیق‌تر به ریشه‌های اجتماعی این جرائم بیندازند، چراکه گاهی درد نه فقط در خیابان که در لایه‌های مخفی از زندگی شهری پنهان شده است.

■ می‌خواستیم پولدار شویم

چند ماهی از آمدن پیام به تهران نمی‌گذرد. جوانی ۲۰ ساله، بدون سابقه کیفری که همراه دو دوست دیگرش برای کارگری در یک ساختمان نیمه‌کاره راهی پایتخت شده بودند، اما آنطور که خودش می‌گوید «زرق و برق شهر» سرنوشت‌شان را تغییر داد و دست به سرقت زدند.

پیام سابقه داری؟

نه، من و دوستانم هیچ سابقه‌ای نداریم.

یعنی تازه‌کار هستید؟

بله، برای اولین بار است که مرتکب جرم می‌شویم.

برای سرقت به تهران آمده بودید؟

نه، ما هر سه در ساختمانی نیمه‌کاره کارگری می‌کردیم و اصلاً فکر نمی‌کردیم که روزی بخواهیم سرقت کنیم.

چرا با این سن و سال تصمیم گرفتید زورگیری کنید؟

واقعیتش وقتی به تهران آمدیم زرق و برق شهر تهران ما را گرفت. ما کارگری می‌کردیم برای یک لقمه نان، اما آن‌طرف‌تر افرادی سوار بر خودروهای مدل بالا خوشگذرانی می‌کردند. ما در اتاقی نیمه‌ساخت زندگی می‌کردیم، در حالی که بعضی‌ها زندگی مجلل داشتند. هشت‌مان گرو نهم‌مان بود و از آن بدتر صاحب کارمان پول ما را درست و حسابی نمی‌داد که تصمیم گرفتیم سرقت کنیم و از این راه زود پولدار شویم.

یعنی به دنبال پول‌های بادآورده بودید؟

نمی‌دانم، اما می‌خواستیم هم پولدار شویم و هم معروف. با خودمان گفتیم وقتی به پول زیادی برسیم به نیازمندان هم کمک می‌کنیم.

با پول سرقتی به نیازمندان کمک کنید؟

(سکوت می‌کند)

از کی سرقت‌ها را شروع کردید و در این مدت چند سرقت داشتید؟

تازه شروع کرده بودیم. حدود یک ماه قبل، اولین سرقت را انجام دادیم و فکر می‌کنم حدود ۳۰ سرقت داشتیم.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز همراه همدستانم داخل خیابان‌ها پرسه می‌زدیم که دختر جوان را دیدیم. او از بیمارستان بیرون آمد و با تلفن همراهش که آیفون ۱۳ بود صحبت می‌کرد. دوستانم به من گفتند طعمه خوبی است و نقشه سرقت را طراحی کردیم. به سرعت تلفن همراه را از دستش قاپیدم که زمین خورد و من هم فرار کردم.

نترسیدی اتفاق بدی برایش بیفتد؟

در آن لحظه نه، ولی حالا که فکرش را می‌کنم اگر سرش به جدول یا جسم سختی می‌خورد و می‌مرد، من قاتل می‌شدم. خدا را شکر که زنده ماند.

گوشی را چه کار کردید؟

۸ میلیون تومان فروختیم که پلیس مالخر را هم دستگیر کرد.

همدستانت در سرقت چه نقشی دارند؟

من سرقت‌ها را انجام می‌دادم و آنها هم نقش بادیگار را داشتند و چنانچه برای من مشکلی پیش می‌آمد به کمکم می‌آمدند. مثلاً اگر رهگذران به کمک طعمه می‌آمدند، همدستانم با چاقو آنها را تهدید می‌کردند و مرا فراری می‌دادند.

چرا نقش تو سرقت بود؟

من دونده هستم. از دوران کودکی به دو علاقه داشتم و اگر وارد این رشته می‌شدم شاید الان مدال هم می‌آوردم. کسی به گرد پایم نمی‌رسد، به همین خاطر سرقت وظیفه من بود.

فیلم سرقتت را در فضای مجازی دیدی؟

یک روز قبل از دستگیری دیدم که مأموران فرصت فرار به ما ندادند.

الان چه حسی داری؟

خیلی پشیمانم و همراه همدستانم توبه کردیم.

یادداشت

آتش زیر خاکستر بازار تهران

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

بازار تهران، با سابقه‌ای چند صدساله و گستره‌ای بالغ بر ۱۱۰ هکتار در مرکز پایتخت، یکی از مهم‌ترین شریان‌های اقتصادی کشور به شمار می‌رود. این مجموعه تاریخی که روزگاری نماد نظم سنتی، تجارت اصیل و ساختار اقتصادی مردم‌محور بود، امروز درگیر مسائل ساختاری، ایمنی، ترافیکی و امنیتی گسترده‌ای است که حیات آن را به‌شدت تهدید می‌کند. بافت متراکم و فرسوده بازار، به دلیل توسعه غیرکنترل‌شده، ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و عدم هم‌راستایی با الزامات ایمنی روز، اکنون به یکی از نقاط حادثه‌خیز شهر تبدیل شده‌است. سیم‌کشی‌های نامنظم، انبارهای پر از کالای قابل‌اشتعال، نبود سامانه‌های هوشمند اطفای حریق و مسیرهای باریک و پر ازدحام، هر یک به‌تنهایی برای ایجاد بحرانی شهری کافی است. تکرار آتش‌سوزی‌ها در پاساژها و حجره‌های قدیمی، زنگ خطری است که سال‌هاست به صدا درآمده، اما به دلایل متعدد، جدی گرفته نشده‌است. عملیات امدادی در این منطقه همواره با کندی، تأخیر و دشواری شدید روبه‌رو است، چراکه خودروهای آتش‌نشانی یا آمبولانس، به‌سختی می‌توانند از میان مسیرهای باریک و مسدودشده عبور کنند.

نبود سامان‌دهی در تردد موتورسیکلت‌ها و خودروها، بازار را به یکی از آشفته‌ترین نقاط ترافیکی تهران تبدیل کرده‌است. موتورسوارانی که بی‌محابا در مسیرهای باریک تردد می‌کنند، نه‌تنها خطر را برای عابران و خریداران افزایش داده‌اند، بلکه هرگونه امکان مدیریت اضطراری را هم از بین برده‌اند. پلیس راهور اگرچه در مقاطعی تلاش‌هایی برای محدودسازی تردد موتورسیکلت‌ها در بازار انجام داده، اما نبود تداوم، حمایت زیرساختی و برخورد جدی، موجب بی‌نتیجه ماندن آن شده‌است.

در کنار معضلات فنی و ترافیکی، موضوعی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، امنیت شکننده بازار و محیط اطراف آن است. گزارش‌های متعدد از وقوع سرقت در بازار تهران، به‌ویژه در معابر فرعی، کوچه‌ها و پاساژهای قدیمی، گویای شکل‌گیری تجمع غیررسمی گروه‌های خلافکار و سارقان خرده‌پا در حاشیه این مجموعه است به گونه‌ای که خیابان‌های اطراف بازار در مقطعی از شبانه روز به محلی امن برای فروش کالاهای سرقتی خصوصاً فروش موبایل‌های سرقت‌شده تبدیل شده‌است. نبود روشنایی مناسب، نظارت ضعیف پلیسی در برخی ساعات و تراکم بالای جمعیت، این منطقه را به مکانی مطلوب برای فعالیت‌های مجرمانه تبدیل کرده‌است. بسیاری از کسبه و شهروندان، تجربه‌های ناخوشایندی از مواجهه با سارقانی دارند که به‌راحتی در ازدحام بازار ناپدید می‌شوند. این وضعیت نه‌تنها امنیت مالی کسبه و مردم را تهدید می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظم شهری را نیز دچار تزلزل می‌سازد.

بازار تهران نیازمند نوسازی در دو سطح «کالبدی» و «مدیریتی» است. از سویی، مقاوم‌سازی سازه‌ها، اصلاح شبکه برق‌رسانی، به‌روزرسانی سامانه‌های اعلام و اطفای حریق، ایجاد مسیرهای امدادی و استقرار پایگاه‌های ثابت آتش‌نشانی و اورژانس، باید در اولویت نهادهای مسئول از جمله شهرداری و سازمان آتش‌نشانی قرار گیرد. از سوی دیگر، اجرای طرح جامع مدیریت ترافیکی و ساماندهی موتورسواران، بدون مماشات و با حمایت ساختاری، الزامی است. در حوزه امنیت نیز، تقویت گشت‌های پیاده پلیس، نصب دوربین‌های نظارتی هوشمند، پاک‌سازی حاشیه‌های ناامن و افزایش نورپردازی معابر، می‌تواند قدمی مؤثر برای بازگرداندن امنیت روانی و واقعی به بازار باشد. اجرای طرح‌های مشارکتی با حضور کسبه برای نظارت محلی نیز می‌تواند به نهادینه شدن امنیت اجتماعی کمک کند. بازار تهران اگرچه از دیرباز محل تلاقی سنت، اقتصاد و فرهنگ بوده، اما در حال حاضر به مجموعه‌ای بحران‌خیز تبدیل شده‌است. تداوم این وضعیت، نه‌تنها جان و مال شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بلکه یک میراث تاریخی و اقتصادی را به‌تدریج فرسوده و بی‌اثر می‌کند. حفظ این قلب اقتصادی، نیازمند اراده‌ای جدی، برنامه‌ای جامع و هم‌افزایی میان دستگاه‌های مسئول است؛ پیش از آنکه دیر شود.

سارقان مسلح طلافروشی پیش از فرار دستگیر شدند

فرمانده انتظامی استان زنجان از دستگیری سه سارق مسلح همزمان با اقدام نافرجام برای سرقت از یک طلافروشی در شهر صائین‌قلعه شهرستان ابهر خبر داد.

سردار محمد طراقیه، فرمانده انتظامی استان زنجان اعلام کرد: همزمان با اعلام گزارش فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درباره سرقت از یک طلافروشی در صائین‌قلعه، تیمی از مأموران به محل اعزام شدند و عملیات دستگیری سارقان در دستور کار قرار گرفت.

وی افزود: مأموران پلیس با اجرای عملیاتی دقیق موفق شدند سه سارق مسلح را در همان لحظات اولیه و هنگام فرار از محل حادثه زمین‌گیر و بازداشت کنند که از متهمان یک قبضه سلاح کلت کمری کشف شد.

به گفته طراقیه، ارزش طلاهای به سرقت رفته که پیش از خروج کامل سارقان بازیابی شد، بیش از ۱۵ میلیارد تومان برآورد شده است. همچنین دو دستگاه موتورسیکلت سرقتی نیز از متهمان کشف و ضبط شد. فرمانده انتظامی استان زنجان با اشاره به اعتراف صریح متهمان به ارتکاب جرم گفت: تحقیقات تکمیلی پیرامون این پرونده در جریان است.

او در پایان از شهروندان خواست با رعایت اصول ایمنی، خودمراقبتی از اموال و نصب تجهیزات نظارتی مانند دوربین مداربسته، در پیشگیری از وقوع جرائم و همکاری با پلیس نقش فعالی ایفا کنند.